

مهرورزی در سیره رفتاری پیامبر اسلام (ص)

پیامبر مکرم اسلام (ص) به عنوان کامل‌ترین اسوه راستین بشریت، نسبت به تمام مردم بسیار صمیمی و مهربان بود. آن بزرگوار با داشتن این خصلت ستودنی توانست در طول ۲۳ سال دل‌های بسیاری را شیفته مکتب مبین اسلام کند و از گرداب گمراهی و ضلالت به صراط مستقیم هدایت نماید. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«و ما ارسلناک الاّ رحمةً للعالمین؛ ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.»

و نبی مکرم اسلام (ص) فرمود: «اگر مهربانی و ملاحظت به صورتی مجسم شود، آن چنان زیباست که خداوند مخلوقی زیباتر از آن را نیافریده است.»

ابراز محبت و مهرورزی رسول خدا (ص) نه تنها شامل خانواده، دوستان و اهل ایمان می‌شد، بلکه مخالفین، از اخلاق نرم و شفقت‌آمیز آن بزرگوار بهره‌مند می‌شدند. به همین جهت خداوند متعال رسول گرامی اش را در قرآن تحسین نموده و می‌فرماید:

«انک لعلی خلقٍ عظیم؛ یقیناً تو دارای اخلاق عظیم و نیکو هستی.»

در این نوشتار برآنیم که به مناسبت ولادت با سعادت آن بزرگوار، روگوشه‌هایی از سیره پیامبر اعظم را در عرصه محبت و مهرورزی بیان کنیم و زیباترین صحنه‌های ابراز محبت ایشان را نظاره‌گر باشیم.

- مهرورزی رمز موفقیت

راز موفقیت پیامبر(ص) در مدیریت حکومتی، عشق ورزی و عشق به مردم بود. اگر این شیوه مفید و کارآمد در مدیریت او وجود نداشت، هرگز توفیق رفع مشکلات و موانع طاقت فرسا را پیدا نمی‌کرد.

به همین جهت خداوند فرمود: «فبما رحمةً من اللّٰه لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک...؛ به موجب رحمتی که خداوند به تو عنایت کرد، برای آنان نرم شدی و اگر خشن و تند خو بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.»

محبت و ملاطفت آن حضرت بود که دشمنان کینه توز را به دوستان صمیمی تبدیل کرد. در حدیثی از حضرت امام حسین(ع) به نقل از پدر بزرگوارش حضرت علی(ع) چنین آمده است که: پیامبر(ص) در برخورد با دیگران همیشه مهربان، خوشرو و خندان بود و هرگز بی رحم، پرخاش گر و اهل تملق نبود. هیچ کس از او مأیوس نمی شد و هرکس به در خانه او می آمد، نومید باز نمی گشت. هرگاه فرد و غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می گفت و درخواستی داشت، تحمل می کرد و به یارانش می فرمود: هرگاه کسی را دیدید که حاجتی دارد، به او عطا کنید و هرگز کلام کسی را قطع نمی کرد تا سخنش پایان گیرد.»

و این چنین بود که دلها را کانون محبت خود ساخت و میلیونها دل را از این رهگذر با خداوند آشتی داد.

- بذل عاطفه به خانواده

پیامبر(ص) در خانواده نسبت به همسران خود، هیچ گونه خشونتی بروز نمی داد و این بر خلاف خلق و خوی مردم مکه بود. بد زبانی برخی از همسران خویش را تحمل می کرد تا آن جا که دیگران از این همه تحمل رنج می بردند.

او به حسن معاشرت با زنان توصیه و تأکید می کرد و می فرمود: همه مردم دارای خصلت های نیک و بد هستند، مرد نباید تنها جنبه های ناپسند همسر خویش را در نظر بگیرد.

رسول خدا(ص) با فرزندان خود فوق العاده عطف و مهربان بود و به آنها محبت می کرد. سیره تربیتی آن حضرت نشان می دهد که در طول زندگی، ارتباط عاطفی و کلامی با فرزندان داشت. یکی از همسران پیامبر می گوید: فاطمه(س) در رفتار و گفتار و سیمای ظاهری شبیه ترین فرد به رسول خدا(ص) بود، ارتباط این پدر و فرزند آن چنان مستحکم بود که او هرگاه به دیدن پیامبر(ص) می آمد، پیامبر(ص) از جای خود برمی خاست و سرو دست دخترش را می بوسید و او را در جای خود می نشاند و هرگاه پیامبر(ص) به منزل فاطمه(س) می آمد، فاطمه از جایش برخاسته و پدر گرامی اش را می بوسید و آن بزرگوار را در جای خویش می نشانید.

این ارتباط عمیق عاطفی و معنوی بین پدر و دختر همچنان ادامه داشت تا این که زمان رحلت رسول خدا(ص) نزدیک شد، در یکی از آخرین روزهای حیات پیامبر(ص)، فاطمه(س) به حضورش آمد، او خود را روی سینه پیامبر(ص) افکند و صورت آن حضرت را بوسید.

پیامبر(ص) با او آهسته سخن گفت: هنگامی که سر برداشت، به شدت گریست. دوباره با اشاره پیامبر(ص) خود را به پدر بزرگوارش نزدیک نموده و با رسول گرامی اسلام(ص) نجوا کرد، اما این بار با چهره باز و سیمایی گشاده و خندان از پیامبر(ص) جدا شد.

حاضران از این دو حرکت متفاوت تعجب کردند، اما وقتی که بعد از رحلت پیامبر(ص) از حضرت زهرا(س) این نکته را پرسیدند، فاطمه(س) در پاسخ فرمود: بار نخست رسول الله به من فرمود: من از این بیماری نجات نخواهم یافت و منجر به مرگ من خواهد شد.

از شنیدن این سخن و تصور جدایی از آن حضرت اندوهگین شدم و گریستم، اما در مرتبه دوم فرمود: دخترم! تو به زودی و پیش از سایر خاندانم به من خواهی پیوست و من خوشحال شدم.

- ملایمت در عین صلابت

در مسایل فردی و شخصی آن چه مربوط به شخص خودش بود، نرم خو و ملایم بود. گذشت‌های بزرگ و تاریخی اش یکی از علل موفقیت در رسالت الهی او بود، اما در مسایل اصولی و عمومی آن جا که حریم قانون بود، سختی و صلابت نشان می‌داد.

در فتح مکه کسانی که بدترین ستم‌ها و جسارت‌ها و دشمنی‌ها را در حق آن حضرت و یارانش کرده بودند، در هاله‌ای از رعب و وحشت گرفتار شدند و منتظر انتقام و عکس العمل متقابل پیامبر(ص) بودند.

اما آن حضرت فرمود: من آن چه را یوسف(ع) در مورد برادران ستمگر خود انجام داد، همان می‌کنم و همانند او می‌گویم: «... لاتثريب عليكم اليوم...» امروز ملامت و سرزنشی بر شما نیست...»

هنگامی که آن رهبر مهربان، مردم هراسناک و نگران را آرام نمود، اضافه کرد که امروز روز نبرد و انتقام نیست، بلکه روز رحمت و محبت است و من از تمام جنایات و گناهان شما گذشتم. آن گاه جمله معروفش را فرمود: «اذهبوا فانتم الطلقاء»؛ به دنبال زندگیتان بروید که همه شما آزاد هستید.»

تمامی آنان گویا دوباره متولد شدند؛ بنابر این نفس راحتی کشیدند و به غیر از افراد معدودی، همگی محبت و عشق رسول خدا(ص) در اعماق وجودشان نفوذ کرد و مسلمان شدند.

در همان فتح مکه زنی از قبیله «بنی مخزوم» مرتکب سرقت شد و از نظر قضایی جرمش محرز گردید، خویشاوندان آن زن که هنوز رسوبات نظام طبقاتی دوران جاهلیت در مغزشان مانده بود، اجرای مجازات (حد سرقت) را نسبت به آن زن، ننگ خانواده اشرافی خود می‌دانستند؛ به

همین دلیل برای متوقف ساختن اجرای حد سرقت به تلاش افتادند و به همین منظور «اسامه بن زید» را که مانند پدرش نزد پیامبر(ص) محبوبیت داشت و ادار به شفاعت نمودند، اما همین که اسامه زبان به شفاعت گشود، آن حضرت خشمگین شد و فرمود: چه جای شفاعت است؟ مگر می‌توان حدود و قانون را بلا اجرا گذاشت و فوراً دستور مجازات صادر نمود.

اسامه متوجه لغزش خود شد و عذر خواهی نمود. پیامبر(ص) برای این که فکر تبعیض در اجرای قانون را از ذهن مردم بیرون نماید، عصر همان روز به ایراد خطبه‌ای پرداخت و به مسأله اجرای قانون الهی اشاره نمود و فرمود: «اقوام و ملل پیشین دچار سقوط و انقراض شدند؛ زیرا در اجرای قانون تبعیض روا می‌داشتند. هرگاه یکی از طبقات بالا مرتکب جرم می‌شد، او را از مجازات معاف می‌کردند و اگر کسی از زیردستان به جرم مشابه آن مبادرت می‌ورزید، او را مجازات می‌نمودند، قسم به خدایی که جانم در دست اوست! در اجرای قانون درباره هیچ کس کوتاهی و سستی نمی‌کنم. اگر چه مجرم از نزدیکان من باشد.»

- برخورد گرم و صمیمی

برخورد گرم و صمیمی باعث نزدیک شدن دل‌ها و افزایش محبت می‌گردد. بسیار اتفاق افتاده است که با یک احوال پرسی صمیمانه و اظهار محبت خالصانه باب ارتباط با دیگران گشوده شده و بسیاری از ذهنیت‌های منفی درباره برخی از واقعیات جامعه و معارف دینی اصلاح شده است. این مسأله در سیره رفتاری رسول گرامی (ص) بسیار برجسته و پررنگ است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «وقتی حضرت با کسی مصافحه می‌کرد، هیچ گاه اتفاق نیفتاد که حضرت دستش را از دست او جدا کند تا این که آن شخص دستش را برمی‌داشت و اگر کسی برای بیان حاجتی با او صحبت می‌کرد، حضرت (ص) هیچ گاه سخن او را قطع نمی‌کرد و از او جدا نمی‌شد تا آن شخص سخن را به پایان برد و از آن بزرگوار جدا شود.»

«انس بن مالک» می‌گوید: ده سال با رسول خدا(ص) بودم، عطری از او استشمام می‌کردم که بهتر از آن را سراغ ندارم. هرگاه کسی با حضرت ملاقات می‌کرد، وقت جدا شدن، حضرت همراه او بلند می‌شد و کسی نزد رسول خدا(ص) ننشست مگر این که آن حضرت وقت برخاستن با او برمی‌خاست و در وقت دست دادن تا وقتی فرد دستش را جدا نمی‌کرد، پیش قدم نمی‌شد. ولادت باسعادت حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (ع) بر همه شیعیان جهان مبارک باد.

دکتر ابراهیم رضا پور